

شمه‌ای از

# فضائل و مناقب

## امام حسنین علیهما السلام

سید جواد حسینی



کرد و در هنگام کشتن گوسفند، این دعا را خواند: «بِسْمِ اللَّهِ عَقِيْقَةَ عَنِ الْحَسَنِ، اللَّهُمَّ عَظْمَهَا بِعَظْمِهِ وَكَحْمَلِهَا بِكَحْمَلِهِ شَعْرُهَا بِشَعْرِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا وَقَاءً لِمَحْمَدٍ وَآلِهِ<sup>۳</sup>؛ بنام خدا، [این] عقیقه‌ای است از جانب حسن، خدایا! استخوان عقیقه در مقابل استخوان حسن، و گوشتش در برابر گوشت او. خدایا! عقیقه را وسیله حفظ محمد و آل محمد قرار ده.»

پیشوای دوم جهان تشیع، اولین ثمره زندگی مشترک علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام در نیمه ماه مبارک رمضان سال سوم هجری در «مدینه الرسول» دیده به جهان گشود<sup>۱</sup>. وقتی خبر ولادت امام مجتبی به گوش پیامبر گرامی اسلام رسید، شادی و خوشحالی در رخسار مبارک آن حضرت نمایان شد. مردم شادی‌کنان می‌آمدند و به پیامبر صلی الله علیه و آله و علی و زهرا علیهما السلام تبریک می‌گفتند، رسول خدا در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت<sup>۲</sup>.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز هفتم ولادت، گوسفندی را عقیقه (و قربانی)

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، (بیروت، دارالاحیاء التراث العربی)، ج ۴۴، ص ۱۳۴ و ۱۴۴.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۲۸۲.

۳- هاشم معروف الحسینی، سیرة الائمة الانبیاء عشر، (قم، منشورات الشریف الرضی) ج ۱، ص ۴۶۲.

انسانی فراوان بود، او [شخصیتی] بزرگوار، بردبار، با وقار، متین، سخاوتمند، و مورد ستایش بود.»

البته سبط اکبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید چنین باشد، چرا که متقین باید دارای فضائل باشند. امام علی علیه السلام فرمود: «فَالْمُتَّقُونَ هُمُ أَهْلُ الْفَضَائِلِ ۴؛ پرهیزگاران، اهل فضائل هستند.»

در ذیل برخی از فضائل آن حضرت را بر می شمیریم.

#### ۱- محبوب رسول خدا صلی الله علیه و آله

از راه‌های شناخت عظمت و برتری یک انسان این است که محبوب انسان‌های برتر و با فضیلت باشد. در عالم هستی برتر از خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله نداریم و حسن بن علی علیه السلام سخت محبوب پیغمبر گرامی اسلام بود و این محبت و دوستی را در گفتار و کردار خویش ظاهر، و به اصحاب خود می فهماند. بخاری از ابی بکر نقل

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله موهای سر او را تراشید و فاطمه زهرا علیها السلام هموزن آن به مستمندان «درهم» نقره سکه‌دار انفاق نمود<sup>۱</sup>. از این تاریخ آیین عقیقه و صدقه به وزن موهای سر نوزاد مرسوم شد.

حسن بن علی، هفت سال در دوران جدش زندگی کرد و سی سال از همراهی پدرش امیرمؤمنان برخوردار بود. پس از شهادت پدر (در سال ۴۰ هجری) به مدت ۱۰ سال امامت امت را به عهده داشت و در سال ۵۰ هجری با توطئه معاویه بر اثر مسمومیت در سن ۴۸ سالگی به درجه شهادت رسید<sup>۲</sup> و در قبرستان «بقیع» در مدینه مدفون گشت.

به بهانه ولادت آن بزرگوار، در این مقال برآنیم که گوشه‌هایی از فضائل و مناقب او را بیان کنیم.

#### فضائل امام حسن علیه السلام

سیوطی در تاریخ خود می نویسد: «كَانَ الْحَسَنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَهُ مَنَاقِبٌ كَثِيرَةٌ، سَيِّدًا حَلِيمًا، ذَا سَكِينَةٍ وَوَقَارٍ وَحِشْمَةٍ، جَوَادًا، مَمْدُوحًا ۳؛ حسن [بن علی] دارای امتیازات اخلاقی و فضائل

۱- همان، ص ۲۵۷.

۲- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۴، ص ۱۳۴.

۳- سیوطی، تاریخ الخلفاء، (بغداد، مکتبه المثنی،

۱۳۸۳ هـ ق) ص ۱۸۹.

۴- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه

۱۹۳، ص ۴۰۲.

بندگی رمز پیشرفت اولیاء الهی و زمینه‌ساز رسیدن به اوج کمالات و فتح قله سعادت است. با عبادت، انسان محبوب خدا شده و به او تقرب می‌یابد.

اگر ایوب و داوود و دیگر پیامبران الهی مدال افتخار دارند، به خاطر بندگی خداست که خداوند با عبارت «نِعْمَ الْعَبْدُ»<sup>۴</sup> آنان را ستوده است. و اگر خضر نبی علم لدنی داشت و پیغمبر اولوالعزمی همچون موسی علیه السلام شاگردی او می‌کرد و جدایی از او را تلخ‌ترین حادثه زندگی می‌دانست، در اثر بندگی او بود. قرآن کریم نام حضرت خضر را نیابرد بلکه فرمود: «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا»<sup>۵</sup>؛ «بنده‌ای از بندگان ما را یافتند.» که نشان دهنده مقام بندگی و عبودیت در پیشگاه خداوند است. و اگر پیامبر خاتم، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله به اوج قله مکاشفه

می‌کند که گفت: «رَأَيْتَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْمِنْبَرِ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ مَعَهُ وَهُوَ يَقْبَلُ عَلَى النَّاسِ مَرَّةً وَيَنْظُرُ إِلَيْهِ مَرَّةً وَيَقُولُ: إِنِّي هَذَا سَيِّدٌ! دیدم نبی اکرم صلی الله علیه و آله را که بر فراز منبر بود، و حسن بن علی هم با او بود. او گاهی به مردم رو می‌کرد و گاهی به حسن، و می‌فرمود: این فرزند من [سید و] آقا است.» و می‌فرمود: «مَنْ أَحَبَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي»<sup>۲</sup>؛ هر که حسن و حسین را دوست بدارد، مرا دوست دارد، و هر که با آن دو دشمنی کند با من دشمنی کرده است.»

در این حدیث علاوه بر محبوبیت امام حسن علیه السلام در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله که خود نشانه فضیلت است، محبت او و برادرش حسین علیه السلام معیار فضیلت و خوبی‌ها قرار داده شده است، چنان که دشمنی آن دو، نشانه مبعوضیت نزد رسول خدا و پلیدی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جای دیگری فرمود: «هُمَا سَيِّدَا سُبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَهُمَا زَيْنَاَتِي»<sup>۳</sup>؛ آن دو (حسن و حسین) آقای جوانان بهشت و ریحانه من هستند.»

۲- عبادت و خوف از خدا

۱- محمد بن اسماعیل بخاری، الجامع الصحیح، (بیروت، دار احیاء التراث العربی) ج ۳، ص ۳۱.

۲- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۳، ص ۲۶۴.

۳- ک: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶۲.

۴- ص/۳۰ و ۴۴.

۵- کف/۶۹.

تمام حالات رو به سوی خدا داشت، خود را در محضر او می‌دید و خوف عظمت الهی سراسر وجود او را پر کرده، و تمام هستی او را فرا گرفته بود. در ذیل به نمونه‌هایی در این زمینه اشاره می‌شود:

#### الف) هنگام وضو:

آن حضرت هنگام وضو گرفتن بدنش می‌لرزید، و چهره‌اش زرد می‌شد، از او درباره راز این امر سؤال شد، فرمود: «حَقَّ عَلَيَّ كُلُّ مَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّ الْعَرْشِ أَنْ يَضْفَرَ لَوْنَهُ وَتَرْتَعِدَ مَفَاصِلُهُ»<sup>۳</sup> بر هر کسی که در پیشگاه خداوند می‌ایستد لازم است که [از عظمت الهی] رنگش زرد و اندامش به لرزه افتد.»

#### ب) هنگام ورود به مسجد:

وقتی که در آستانه مسجد قرار می‌گرفت، سر به سوی آسمان بلند می‌کرد و عرضه می‌داشت: «اللَّهِ صَنِيفُكَ يَا بَابُكَ يَا مُحْسِنٌ قَدْ أَنَاكَ الْمُسِيءُ، فَتَجَاوَزْ عَنِّي»

و دریافت آخرین دین الهی دست یازید، بر اثر بندگی بود، از این رو در شبانه روز حداقل ده نوبت عرضه می‌داریم: «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ شهادت می‌دهم که محمد ﷺ بنده و رسول خداست.» خداوند هدف از آفرینش انسان را بندگی می‌داند و می‌فرماید: «لَمَّا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ الْأَلْيَعْبُدُونَ؟» «من جن و انس را نیافریدم جز برای این که عبادت کنند.»

راستی بندگی چه اکسیری است که در دسترس همگان قرار دارد، ولی اکثر مردم از آن بی‌خبر و نسبت به آن بی‌توجه‌اند. در حالی که تمام عزت‌ها، سربلندی‌ها و افتخارها، زیر سایه بندگی است.

امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا أَرَدْتَ عِزًّا بِلَا عَشِيرَةٍ، وَهَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَأَخْرِجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ؟» هرگاه اراده عزتی بدون دار و دسته، و هیبتی بدون سلطنت داشتی، از خواری معصیت الهی بیرون آمده، به سوی عزت اطاعت خداوند رو کن.»

از مصادیق کامل بندگان مقرب الهی، امام حسن مجتبی علیه السلام است که در

۱- ذاریات/۵۶.

۲- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۴، ص ۱۳۹.

۳- همان، ج ۴۳، ص ۳۳۹.

قَبِيحٌ لِّمَا عِنْدِي بِجَمِيلٍ لِّمَا عِنْدَكَ يَا كَرِيمُ!؛  
خدایا میهمانت در ب‌خانه‌ات ایستاده،  
ای احسان‌کننده! [بندۀ] گنه‌کار به سوی  
تو آمد، بخوبی آنچه نزد توست، از  
بدی آنچه نزد من است درگذر. ای  
[خدای] بخشنده.»

(ج) در وقت نماز و در هر حال:

امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ  
الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ  
وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ نَاشِئاً  
وَرُبَّمَا مَشَى حَافِئاً وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى  
وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْبُعْثَ وَالنُّشُورَ  
بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى وَإِذَا  
ذَكَرَ الْعَرَضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرَهُ شَهِقَ شَهْقَةً  
يُعْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ  
فَرَأَيْتُهُ تَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ  
الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَسَأَلَ  
اللَّهَ الْجَنَّةَ؟» امام حسن (ع) عابدترین،

زاهدترین و برترین مردم زمان خویش  
بود، هرگاه حج می‌آورد پیاده و  
گاهی پابرهنه بود، همیشه این‌گونه بود  
که اگر یادی از مرگ و قبر و قیامت  
می‌کرد گریه می‌کرد. وقتی یادی از  
گذشتن از صراط می‌کرد، گریه می‌کرد،  
وقتی یادی از عرضه شدن در پیشگاه

الهی [برای حساب و کتاب] می‌کرد،  
صدای حضرت بلند می‌شد، تا آنجا که  
غش می‌کرد [و بیهوش می‌افتاد]، و  
هرگاه برای نماز می‌ایستاد، بند بند  
وجود او در مقابل خدایش می‌لرزید و  
هر وقت از بهشت و جهنم یاد می‌کرد،  
مانند مارگزیده می‌پیچید، و از خداوند  
بهشت را درخواست می‌کرد.»

(د) بعد از نماز:

در حالات آن حضرت نوشته‌اند:  
«إِنَّ الْحَسَنَ كَانَ إِذَا قَرَعَ مِنَ الْفَجْرِ لَمْ يَتَكَلَّمْ  
حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ»؛ امام حسن (ع)  
همواره چنین بود که وقتی از نماز  
صبح فارغ می‌شد، [باز هم بر سجاده  
خویش می‌نشست و عبادت خدا  
می‌کرد]، [با هیچ کس [در آن حال]  
سخن نمی‌گفت: تا آنگاه که خورشید  
طلوع می‌کرد.»

(ه) هنگام خواندن قرآن:

در هنگام قرائت قرآن، وقتی به آیه  
«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» می‌رسید، می‌گفت:

۱- همان.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۳۳۱، روایت ۱.

۳- همان، ج ۴۳، ص ۳۳۹.

«الَّتِيكَ اللَّهُمَّ تَبِيكَ ۱؛ اجابت کردم خدایا، اجابت کردم.»

(و هنگام مرگ و شهادت:

آن حضرت هیچگاه خدا را فراموش نکرد و در تمام عمر خویش به یاد محبوب بود. از دوری دوست و خوف و عظمت او اشک می ریخت؛ در نماز، در حال خواندن قرآن... و تا آخرین لحظه، حتی آنگاه که در بستر شهادت قرار گرفت، گریه اش شدت گرفت، عرض کردند: ای پسر رسول خدا! گریه می کنی در حالی که محبوب رسول خدا هستی و رسول خدا درباره تو بسیار تعریف کرد و سخن گفت و تو بیست نوبت پیاده به حج مشرف شدی. فرمود: «إِنَّمَا أَبْكِي لِخِصْلَتَيْنِ؛ لَهُوْلِ الْمَطَّلَعِ وَفِرَاقِ الْأَحَبَّةِ ۲؛ بخاطر دو چیز می گریم؛ وحشت آنچه در پیش دارم و جدائی دوستان.»

### ۳- علم الهی

مهمترین امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات - حتی ملائکه - دانش و بینش است. در قرآن کریم آمده است: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ

كُنْتُمْ صَادِقِينَ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ۳؛ علم اسماء [= علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت، بعد آن ها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گویند، اسامی این ها را به من خبر دهید. عرض کردند: تو منزه‌ی، ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای نمی دانیم.»

برترین علم‌ها، علمی است که مستقیماً از ذات الهی به شخصی افاضه شود که به آن علم «لدنی» گفته می شود. خداوند در مورد حضرت خضر علیه السلام می فرماید: «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ۴؛ «علم فراوانی از نزد خود به او آموخته‌ایم.»

امام حسن مجتبی علیه السلام دارای چنین علمی بود. به برخی روایات در این زمینه توجه کنید:

۱- عثمان بن عفان درباره علم امام

حسن علیه السلام خطاب به شخصی که در نزد

۱- همان، ص ۳۳۱.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۳۳۲.

۳- بقره/۳۱-۳۲.

۴- کهف/۶۵.

آسمان است آگاهی دارید. حضرت فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَخْرُصُ كَيْلًا وَأَنَا أَخْرُصُ عَدَدًا»<sup>۱</sup>؛ پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [مقدار] وزن و پیمانۀ [درخت خرما] را می‌گفت و من عدد آن را می‌گویم. معاویه گفت: این درخت خرما چند عدد خرما دارد؟ حضرت فرمود: چهار هزار و چهار عدد. دانه‌های خرما را شمردند و دیدند همان مقدار است که حضرت فرموده است.

#### ۴- شجاعت و شهامت

از صفات بارز پروا پشگان و اولیاء خداوند، این است که خدا در نظر آنان بزرگ و غیر او در نظرشان کوچک می‌باشد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره متقین می‌فرماید: «عَظَمَ الْخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ فَصَغُرَ مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ»<sup>۲</sup>؛ خالق در جان آنان بزرگ است پس غیر او در چشمشان کوچک می‌باشد. سر شجاعت اولیای الهی نیز در همین

او حاضر بود می‌گوید: «وَمَنْ لَكَ بِمِثْلِ هَوْلَاءِ الْفِتْيَةِ أَوْلَيْكَ فَطَمَّوْا الْعِلْمَ فَطَمَّأَوْا وَحَارَّوْا الْخَيْرَ وَالْحِكْمَةَ»؛ کجا می‌توانی مثل این جوان‌ها را پیدا کنی؟ آنان [از خاندانی هستند] که کانون علم و حکمت و سرچشمه نیکی و فضیلتند.»

۲- امام علی علیه السلام درباره فرزندش امام حسن علیه السلام بعد از شنیدن سخنان او با ابوسفیان در حالی که کودکی چهارساله پیش نبود، فرمود: «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي آلِ مُحَمَّدٍ مِنْ ذُرِّيَّةٍ مُحَمَّدٍ الْمُضْطَفَى نَظِيرَ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا»<sup>۱</sup> و «وَأَنْبِيَاءَ الْحَكْمِ صَبِيًّا»<sup>۲</sup>؛ سپاس خدای را که در میان آل محمد و در نسل پیامبر خدا، کسی را قرار داد که همچون یحیی بن زکریاست. [که خداوند در مورد او فرمود:] به وی علم و دانش در کودکی عطا کردیم.»

۳- معاویه، به امام حسن مجتبی علیه السلام عرض کرد: شنیده‌ام رسول خدا مقدار خرماي درخت را می‌دانست، آیا چیزی از آن علم (الهی) در نزد شما هم وجود دارد؟ شیعیان شما چنین می‌پندارند که شما به همه چیز؛ آنچه در زمین است و هر چه در

۱- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۳، ص ۳۳۲-۳۳۳. روایت ۴.

۲- همان، ج ۴۳، ص ۳۲۶، حدیث ۶، و ر. ک: مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶.

۳- همان، ج ۴۳، ص ۳۲۹، حدیث ۹.

۴- نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۱۸۲.

است.

دلاور و شجاع علی علیه السلام سبقت می گرفت و بر قلب سپاه دشمن حملات سختی می کرد.<sup>۴</sup>

پیش از شروع جنگ نیز، به دستور پدر، همراه عمار یاسر و تنی چند از یاران، وارد کوفه شدند و مردم کوفه را جهت شرکت در این جهاد دعوت کرد.<sup>۵</sup>

او وقتی وارد کوفه شد که هنوز «ابوموسی اشعری»، یکی از مهره های حکومت عثمان بر سر کار بود و با حکومت عادلانه امیر مؤمنان علیه السلام مخالفت نموده، از جنبش و حرکت مسلمانان در جهت پشتیبانی از مبارزه آن حضرت با پیمان شکنان جلوگیری می کرد. با این حال حسن بن علی علیه السلام

بعضی می پندارند که شجاعت امام حسن علیه السلام کمتر از ائمه دیگر بوده است. برای اینکه نادرستی این پندار روشن شود به نمونه هایی از شهامت آن حضرت اشاره می شود:

۱- به نقل برخی از مورخان مانند «ابن اثیر»، «ابن خلدون»، «سید هاشم معروف الحسینی» و «باقر شریف قرشی»، امام حسن علیه السلام به همراه برادرش امام حسین علیه السلام در فتح شمال آفریقا با ده هزار رزمنده شرکت کردند.<sup>۱</sup>

همچنین به نقل از «طبری» و «ابن اثیر»، امام حسن علیه السلام و برادرش امام حسین علیه السلام در فتح طبرستان در سال سی هجری در کنار دیگر رزمندگان اسلام حضور داشتند.<sup>۲</sup>

ابونعیم اصفهانی می نویسد: امام حسن علیه السلام در فتوحات ایران شرکت داشت و در اصفهان و گرگان کنار رزمندگان اسلام بود.<sup>۳</sup>

۲- امام مجتبی علیه السلام در جنگ جمل، در رکاب پدر خود امیرالمؤمنین علیه السلام در خط مقدم جبهه می جنگید و از یاران

۱- هاشم معروف الحسینی، سیرة الائمة الاثنی عشر، قسم منشورات الشریف الرضی، ج ۲، ص ۱۶، حقایق پنهان، ص ۱۱۷.

۲- همان.

۳- اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۴۳-۴۷ و حقایق پنهان، ص ۱۱۷.

۴- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، (قسم) مؤسسه انتشارات علامه، ج ۴، ص ۲۱.

۵- ابن واضح، تاریخ یعقوبی، (نصف)، منشورات المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۴ ه.ق، ج ۲، ص ۱۷۰.



بود.

### ۵- معاشرت و اخلاق

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام تجسم عالی فضایل انسانی بود. او مقتدای پاکان و صالحان بود و خود بهره بسیار از خلق و خوی رسول خدا صلی الله علیه و آله داشت.

«علامه مجلسی» می‌نویسد: مردی از شام به تحریک معاویه به امام مجتبیٰ علیه السلام ناسزا گفت. امام مجتبیٰ علیه السلام صبر کرد تا سخن او به پایان رسید، آن‌گاه به سوی او رفت، تبسمی کرد و به او سلام کرد و سپس فرمود: پیر مرد! فکر می‌کنم غریب هستی و شاید در اشتباه افتاده‌ای. اگر به چیزی نیازی داری، برآورده کنیم، اگر راهنمایی می‌خواهی، راهنمائیت کنیم و اگر گرسنه‌ای سیرت کنیم، اگر برهنه‌ای لباست دهیم، و اگر نیازمندی، بی‌نیازت کنیم، اگر جا و مکان نداری، مسکنت دهیم، و می‌توانی تا برگشتنت

متجاوز از ۹ هزار نفر از شهر کوفه به میدان جنگ گسیل داشت<sup>۱</sup>.

۳- آن حضرت در جنگ صفین، در بسیج عمومی نیروها و گسیل داشتن ارتش امیر مؤمنان علیه السلام برای جنگ با معاویه، نقش مهمی به عهده داشت و با سخنان پرشور و مهیج خویش، مردم کوفه را به جهاد در رکاب علی علیه السلام و سرکوبی خائنان و دشمنان اسلام دعوت نمود<sup>۲</sup>.

آمادگی او برای جانبازی در راه حق به قدری بود که امیر مؤمنان، در جنگ صفین از یاران خود خواست که او و برادرش حسین علیه السلام را از پیشتازی در جنگ با دشمن بازدارند، تا نسل پیامبر صلی الله علیه و آله با کشته شدن این دو شخصیت از بین نرود<sup>۳</sup>.

آنچه بیان شد، و موارد مشابه آن، نشان از آن دارد که امام حسن مجتبیٰ علیه السلام فردی سخت شجاع و با شهامت بوده، هرگز ترس و بیم در وجود او راه نداشته است.

آن حضرت در پیشرفت اسلام از هیچ‌گونه جانبازی دریغ نمی‌ورزید و همواره آماده جهاد و مبارزه در راه خدا

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، (بیروت، دارصادر)، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲- نصر بن مزاحم، واقعه صفین، (قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۸۲ هـ ق)، ص ۱۱۳.

۳- ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، (قاهره، داراحیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۱ م)، ج ۱۱، ص ۲۵.

میهمان ما باشی و ...

مرد شامی در برابر این خلق عظیم شرمنده شد، گریه کرد و گفت: «أَشْهَدُ أَنَّكَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ؛ گواهی می‌دهم که تو جانشین خدا در زمین هستی، خدا بهتر می‌داند که رسالت خویش را کجا قرار دهد.» و سپس فرمود: تو و پدرت نزد من مبعوض‌ترین افراد بودید، ولی اکنون محبوب‌ترین افراد در نزد من هستید!

#### ۶- سخاوت و قریادرسی از محرومان

در آیین اسلام، ثروتمندان، مسؤولیت سنگینی در برابر مستمندان و تهیدستان اجتماع دارند و به حکم پیوند عمیق معنوی و برادری دینی، باید همواره در تأمین نیازمندی‌های محرومان کوشا باشند. پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و پیشوایان دینی ما، نه تنها سفارش‌های مؤکدی در این زمینه نموده‌اند، بلکه هر کدام در عصر خود، نمونه برجسته‌ای از انسان دوستی و ضعیف‌نوازی به شمار می‌رفتند.

پیشوای دوم شیعیان، در بذل و بخشش و دستگیری از بیچارگان، سرآمد روزگار خویش و آرام بخش

دل‌های دردمند و نقطه امید در ماندگان بود. هیچ آزرده دلی نزد آن حضرت شرح پریشانی نمی‌کرد، جز آنکه مرهمی بر دل آزرده او می‌نهاد و گاهی پیش از آن که مستمندی اظهار احتیاج کند و عرق شرم بریزد، احتیاج او را بر طرف می‌ساخت و اجازه نمی‌داد رنج و مذلت سؤال را بر خود هموار سازد! آن حضرت دویار تمامی دارایی خویش را در راه خدا داد، و سه بار تمام اموال خود را با خدا تقسیم کرد و نصف اموال را به مستمندان بخشید.

در اینجا به نمونه‌هایی از انفاق‌های آن حضرت اشاره می‌شود:

۱- روزی عثمان در کنار مسجد نشسته بود، مرد فقیری از او کمک مالی خواست، عثمان پنج درهم به وی داد، مرد فقیر گفت: مرا نزد کسی راهنمایی کن که کمک بیشتری نماید. عثمان به امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمَا السَّلَام اشاره کرد، وی پیش آن‌ها رفت و درخواست

۱- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۲۳، ص ۳۴۴، ذیل روایت ۱۶.

۲- همان، ص ۳۳۹، ذیل روایت ۱۳ و تاریخ یعقوبی (پیشین)، ج ۲، ص ۲۱۵.

فضیلتند. نظیر آن‌ها را کی می‌توان یافت؟<sup>۲</sup>

۲- این ابی عتیق بدنبال آن حضرت راه افتاد، حضرت با تبسم به او فرمود: حاجتی داری؟ عرض کرد: بله، از اسبب خوشم آمده است. حضرت از اسبب پایین آمد و آن را به او بخشید.<sup>۳</sup>

۳- کمک غیر مستقیم: همت بلند و طبع عالی حضرت مجتبیٰ علیه السلام اجازه نمی‌داد کسی از در خانه او ناامید برگردد و گاه که کمک مستقیم مقدور حضرت نبود، به طور غیر مستقیم در رفع نیازمندی‌های افراد کوشش می‌کرد و با تدبیری خاص گره از مشکلات گرفتاران می‌گشود.

روزی مرد فقیری به آن بزرگوار مراجعه کرد و درخواست کمک نمود. اتفاقاً در آن هنگام امام مجتبیٰ علیه السلام پولی در دست نداشت و از طرف دیگر از اینکه فرد تهیدستی از درخانه‌اش

کمک نمود. امام مجتبیٰ علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَجُلُّ إِلَّا فِي إِحْدَى ثَلَاثٍ دَمٍ مُفْجِعٍ، أَوْ دَيْنٍ مُفْرِحٍ، أَوْ فَقْرٍ مُدْقِعٍ»؛ درخواست کردن از دیگران جایز نیست مگر در سه مورد: دیه‌ای به گردن انسان باشد که از پرداخت آن عاجز است، یا بدهی و دینی کمرشکن داشته باشد که توان ادای آن را ندارد، و یا فقیر و درمانده گردد و دستش به جایی نرسد.»  
کدامیک از این موارد برای تو پیش آمده است؟ عرض کرد: اتفاقاً گرفتاری من یکی از همین سه چیز است.

آنگاه حضرت پنجاه دینار به وی داد و به پیروی از آن حضرت، حسین بن علی علیه السلام چهل و نه دینار به او عطا کرد.

فقیر هنگام برگشت از کنار عثمان گذشت، عثمان گفت: چه کردی؟ جواب داد: تو کمک کردی ولی هیچ نپرسیدی پول را برای چه منظوری می‌خواهم؟ اما حسن بن علی در مورد مصرف پول از من سؤال کرد، آنگاه پنجاه دینار عطا فرمود.

عثمان گفت: این خاندان کانون علم و حکمت و سرچشمه نیکی و

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۴۷.

۲- بحار الانوار، (پیشین)، ج ۴۳، ص ۳۳۳-۳۳۲، حدیث ۴.

۳- همان، ص ۳۴۴.

که به تو یاد می‌دهم، به وی تسلیت می‌گویی و از این راه به هدف خود می‌رسی. گفت: چگونه تسلیت بگویم؟ فرمود: وقتی نزد خلیفه رسیدی بگو «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَهَا بِجُلُوسِكَ عَلَى قَبْرِهَا وَلَا تَهْتِكُهَا بِجُلُوسِهَا عَلَى قَبْرِكَ؛ حمد خدا را که او را با نشستن تو بر قبرش پوشیده داشت و با نشستنش بر قبرت مورد هتک حرمت قرار نداد.» یعنی اگر دختری پیش از تو از دنیا رفت و در زیر خاک پنهان شد، زیر سایه پدر بود، ولی اگر تو پیش از او از دنیا می‌رفتی، دختری پس از مرگ تو در به در می‌شد و ممکن بود مورد هتک حرمت واقع شود.

مرد فقیر به این ترتیب عمل کرد. این جمله‌های عاطفی در روان خلیفه اثر عمیقی بر جای نهاد و از حزن و اندوه وی کاست و دستور داد جایزه‌ای به وی بدهند. آنگاه پرسید: این سخن از آن خودت بود؟ گفت: نه، حسن بن علی رضی الله عنه آن را به من آموخته است. خلیفه گفت: راست می‌گویی، او منبع سخنان فصیح و شیرین است.

**در آیین اسلام،  
ثروتمندان، مسؤولیت  
سنگینی در برابر  
مستمندان و تهیدستان  
اجتماع دارند و به حکم  
پیوند عمیق معنوی و  
برادری دینی، باید  
همواره در تأمین  
نیازمندی‌های محرومان  
کوشا باشند.**

ناامید برگردد شرمسار بود. از این رو فرمود: آیا حاضری تو را به کاری راهنمایی کنم که به مقصودت برسی؟ گفت: چه کاری؟ فرمود: امروز دختر خلیفه از دنیا رفته و خلیفه عزادار شده، ولی هنوز کسی به او تسلیت نگفته است. نزد خلیفه می‌روی و با سخنانی